



نگارنده معتقد است اگر چه بناست به دستور رئیس مجلس کمیته‌ای تشکیل و داستان خودروها را پیگیری کند اما عده‌ای از این موضوع سوءاستفاده می‌کنند و با دور کردن آذهان عمومی از مسائل اصلی کشور، نمایندگان را از وظایف خود غافل‌کنند. مشخص نیست این لیست اسامی ۲۲۹ نماینده را چه کسانی و چگونه تهیه کرده‌اند و معیار و مبنای آنها چه بوده است. ضمن این‌که هیچ تماسی با من گرفته نشده و تصور می‌کنم این لیست به نحوی سلیقه‌ای، حزبی، جناحی تهیه شده باشد که این خود جای مناقشه است. باید در رابطه بااین اتفاقی که رخ داد و فضای کشور، مجلس و رسانه‌ها را تحت تاثیر خود قرار داد به چند موضوع اشاره کرد؛ اول این‌که یکی از همکاران ما بنا به وظایف نمایندگی و نظارتی خود نسبت به یک موضوعی که به ایشان اطلاع داده شده، واکنش نشان داده و وظیفه خود را برای روشن شدن این موضوع بیان کرده است و در جواب به ایشان دستگاه‌های متولی در مجلس آن را مورد بررسی قرار دادند و تکذیب کردند که برای استیضاح وزیر و لابی نبوده است و جواب‌ها مشخص است. تا این‌جا کار را دریک کفه ترازو می‌گذاریم به این معنا که به‌نظر و پیگیری همکاران ما احترام قائل هستیم ضمن اینکه همه نماینده‌ها به انحای مختلف در موضوعات مختلف ورود پیدا می‌کنند. اما بعد این طرح موضوع دامن زدن به این مسئله در داخل و خارج به‌ویژه توسط برخی از گروه‌ها و افراد سیاسی به‌نوع فریبکاری است، به این دلیل که فرصتی فراهم شد تا آن‌هایی که دنبال این بودند که «مجلس انقلابی» را زمین بزنند. آن‌ها از این قصه استفاده کردند و بر این طبل کوبیدند و نظرشان این بود که این مجلس انقلابی نیست. دومین مساله این بود که مردم و افکار عمومی را از مسائل اصلی و روز جامعه به دور کنند. از روزی که این موضوع مطرح شده است کسی حرفی از نوسانات ارز، سکه، معیشت مردم، قیمت گوشت، مسکن و حقوق کارگران و بازنگستان ... نمی‌زند. رسانه‌ها و افراد پشت این قصه در این موضوع دمیدند و آن را تازه نگه داشتند تا افکار عمومی و نماینده‌های مجلس را از وظایف اصلی‌شان دور کنند. همچنین با توجه به انتخابات پیش‌رو گروه‌های رقیب نمایندگان موجود نیز بر این طبل می‌کوبند. نکته اصلی این است که چرا باید سیاستپون، افراد مطلع و مجلس و دولت و سایرین، بازی این مسائل حاشیه‌ای را بخورند؟ آیا این موضوع مشکل بیکاری جوانان را حل می‌کند و آنقدر مهم است که قیمت کارآلای اساسی را پایین‌بورد؟ آیا آنقدر مهم است که از مسائل مهم کشور و از جمله سیاست خارجی بازمانیم. بنابراین من فکر می‌کنم بحث اول این موضوع قانونی و درست بود که پیگیری شد اما این‌که رئیس مجلس هم گفتند تیمی را مامور بررسی موضوع کرده‌اند و قرار شد کمیسیون اصل ۹۰ و حراست کمیته‌ای تشکیل دهند و زوایای مختلف این موضوع را بررسی و رسیدگی کنند تا اگر کار غیر قانونی انجام شده، بدون تعارف و شفاف آن را مطرح کنند. ضمن این‌که سایر دستگاه‌ها را بازخواست کنند، شفافیت مختص مجلس نیست و آن‌ها باید عملکرد مجلس، قوه مجریه و سایر دستگاه‌ها را شفاف کنند و ببینند آیا این موضوع پیرامون این مجلس آن‌هم در سال انتخابات بوده است. امروز در مجلس نمایندگانی داریم که می‌گویند این خودرو را دریافت نکرده‌اند، اما اسم‌شان در این لیست منتشر شده نیست. به اعتقاد بنده باید هوشیار بود و از عملکرد مسئولان پرهیز کرد و باید به اصل موضوع پرداخت. خوب است دستگاه‌های نظارتی، دقیق این موضوع را بررسی کنند تا ابهامی برای کسی باقی نماند، ضمن اینکه من این نحوه برخورد را پروژه فریب می‌دانم.

سرمایه‌گذاران بلندمدت وارد بورس شوند ضرر نمی‌کنند

یک نماینده ادوار مجلس درباره ریزش شاخص‌های بورس گفت: علت ریزشی شدن بورس در بعضی اوقات این است که بخشی از سرمایه‌گذاران در این حوزه نگاه کوتاه مدت دارند با این توضیح که سرمایه‌های کوچکی در اختیارشان است و می‌خواهند مدتی آن سرمایه‌ها را در بورس به جریان بیندازند تا در کوتاه‌مدت سودی را از معاملات این بازار به خود اختصاص دهند. مهرداد لاهوتی اظهار کرد: هر کسی بلندمدت در بورس سرمایه‌گذاری کند قطعاً ضرر نخواهد کرد بنابراین سرمایه‌گذاری در بورس این‌طور نیست که کسی سهمی را بخرد و ۲ ماه بعد آن سهام را بفروشد، با این ذهنیت که ظرف همین مدت به سود سرشاری دست پیدا خواهد کرد. اگر سهامداران با نگاه بلندمدت به بورس وارد شوند مطمئن باشند که آسیب نخواهند دید. این کارشناس مسائل اقتصادی فراز و نشیب‌های بورس را طبیعی خواند و یادآور شد: ما برای رسیدن به رشد ۸ درصدی اقتصاد به ۳۴ هزار همت سرمایه‌گذاری نیاز داریم که این پول می‌تواند از محل حجم نقدینگی مورد در جامعه تأمین شود.

در کشور ما بین ۸ تا ۱۰ هزار همت نقدینگی دست مردم است، قوای سه‌گانه با هم افزایش یکدیگر می‌توانند این نقدینگی را به سمت تأمین نیاز جامعه هدایت کنند. وی با اشاره به آسیب‌های اقتصادی سرگردانی نقدینگی در جامعه، ادامه داد: وقتی این پول‌ها به سمت سرمایه‌گذاری نرود به کدام سو خواهند رفت؟ قطعاً به سمت سوداگری در بازارهای مختلف مثل مسکن، خودرو، طلا و ارز می‌روند و توازن عرضه و تقاضا را در آن بازارها به هم می‌زنند. شاید برخی بگویند این خیانت به اقتصاد کشور است حال آنکه این‌طور نیست، مردم می‌خواهند ارزش سرمایه‌های خود را حفظ کنند و دنبال راهکار و بستری برای این منظور می‌گردند. نماینده ادوار مجلس با اشاره به تورم ۴۰ درصدی تأکید کرد: دولت طبق بودجه ۱۴۰۲ می‌خواهد نرخ تورم را به زیر ۴۰ کاهش دهد، به فرض که این اتفاق بیفتد اگر فردی یک میلیارد تومان سرمایه داشته باشد سال آینده ارزش سرمایه او ۶۰۰ میلیون تومان می‌شود بنابراین او سعی می‌کند از طرق مختلف ارزش سرمایه خود را حفظ کند.

ارزبایی مجلس یازدهم در گفت‌وگو با محمدعلی پور مختار:

مجلس یازدهم

از دغدغه‌های اصلی مردم فاصله داشت

استیضاح وزرا گرهی از کار مردم باز نمی‌کند

مجلس یازدهم مانند ماه عسل دولت بود

مجلس یازدهم در زمینه اقتصادی عملکرد موفق‌ی نداشت

«آرمان ملی» - احسان انصاری: محمدعلی پور مختار، نماینده اصولگرا و سابق مجلس و رئیس کمیسیون اصل نود مجلس بود. به همین دلیل و برای تحلیل و بررسی عملکرد مجلس یازدهم در سال پایانی این مجلس «آرمان ملی» با وی گفت‌وگو کرده است. پور مختار در این گفت‌وگو به مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف مجلس یازدهم اشاره می‌کند و معتقد است: «مجلس یازدهم از دغدغه‌های مردم فاصله داشته است. مجلس یازدهم بیش از آنکه به دنبال دغدغه‌های مردم باشد به دنبال مسائل کلان کشور بود. اگر چه در زمینه مسائل کلان مجلس مشاهده نشد. در یک سال اخیر نیز دغدغه نمایندگان مجلس معطوف به برخی وزرا نتخانه‌ها بوده که آخرین آنها استیضاح وزیر صمت بود. به نظر نمی‌رسد استیضاح وزرا گرهی از کار مردم باز کند. در ماجرای استیضاح وزارت صمت نیز اگر عملکرد آقای فاطمی‌امین را کنار بگذاریم مجلس با یک رویکرد احساسی این استیضاح را انجام داد و بیشتر به دنبال دفاع از هویت خود در ماجرای «شاسی بلند گیت» بود. در ادامه محصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

دولت آقای رئیسی وجود ندارد و قرار نیست مجلس نسبت به دولت سخت‌گیری‌های قانونی داشته باشد. در چنین شرایطی بعضاً مجلس چشم‌خود را بر روی برخی از مشکلات و چالش‌هایی که از دولت ناشی می‌شود می‌بندد. من همواره بر این باور بوده‌ام که باید بین مجلس و دولت یک فاصله نظارتی و انتقادی وجود داشته باشد و مجلس باید رویکرد نظارتی خود را نسبت به دولت لحاظ کند. نکته دیگر اینکه در شرایط کنونی مجلس و دولت از نظر خاستگاه فکری و سیاسی دارای یک خاستگاه هستند. در همه کشورهای جهان نیز هنگامی که مجلس با دولت دارای یک خاستگاه فکری و سیاسی وجود داشته باشد انتظار همراهی مجلس و دولت وجود خواهد داشت. این موضوع درباره دولت آقای روحانی و مجلس دهم نیز وجود داشت. با این وجود اتفاقی که در شرایط کنونی رخ داده این است که مجلس بیش از اندازه با دولت همراهی می‌کند و نتیجه وضعیتی است که امروز در کشور وجود دارد و بسیاری از وعده‌هایی که دولت و مجلس به مردم داده‌اند محقق نشده و بسیاری از چالش‌ها از بین نرفته است. به هر حال در یک سال اخیر برخی تصمیماتی که دولت اتخاذ کرده هزینه‌هایی برای کشور ایجاد کرده است که اگر نظارت مجلس وجود داشت تا حدود زیادی این اتفاقات به وجود نمی‌آمد. در شرایط کنونی همراهی مجلس با دولت ۹۰ درصدی بوده است. رویکردی که قابل قبول نیست و با جایگاه اصلی مجلس در قانون اساسی همخوانی ندارد. البته برخی نمایندگان در این زمینه نظارت‌هایی را انجام می‌دهند اما در عمل شاهد نظارت‌های جدی از سوی مجلس نیستیم.

با توجه به اینکه در سال جاری انتخابات مجلس برگزار خواهد شد آیا عملکرد مجلس یازدهم به شکلی بوده که انگیزه و اشتیاق مردم برای حضور در انتخابات بیشتر شود؟

من معتقدم با حضور کاندیداهای قوی و با تجربه در انتخابات آینده می‌توان تنور انتخابات را گرم‌تر کرد و برای حضور مردم در انتخابات انگیزه ایجاد کرد. با توجه به

چالش‌های کشور ما نیاز به حضور پرشور مردم در انتخابات داریم. این وضعیت نیز نیازمند رویکرد مثبت نهادهای نظارتی و اجرایی نسبت به افراد توانمند و باتجربه در انتخابات است که امیدوارم این اتفاق رخ بدهد. در شرایط کنونی انتظار از مجلس با رویکرد انقلابی آن است که بدون ملاحظه و توجه به همسویی سیاسی با دولت، بتواند مطالبات مردم را در جهت حل مشکلات پیگیری کند و با ابزارهای نظارتی و قانونی که در اختیار دارد دولت را مکلف کند تا به وظایفش در جهت حل مشکلات اقتصادی عمل کند. یک واقعیت تلخ آن است که در حوزه‌های انتخابیه بیشتر مطالبات از نمایندگان جنبه اجرایی دارد. اگر نمایندگان در مجلس از دولت انتقاد کنند یا از وزیر سؤال ببرند یا درصداً استیضاح برآیند، معمولاً مغضوب دولت‌ها می‌شوند. لذا عموم نمایندگان شهرستان‌ها مجبورند به نوعی با دولت تعامل داشته باشند بنابراین نمایندگان معمولاً خویشان داری از خود نشان می‌دهند تا بتوانند مسائل و مشکلات حوزه‌های انتخابیه‌شان را حل کنند. اگر نمایندگان دیگر مسئول پیگیری مسائل و مشکلات اجرایی حوزه‌های انتخابیه خود نباشند این می‌تواند مجلس را کارآمدتر کند چرا که بدون هیچ ملاحظه‌ای به وظایف نظارتی خود می‌پردازند.

مجلس یازدهم از دغدغه‌های اصلی مردم فاصله داشت. مجلس یازدهم بیش از آنکه به دنبال دغدغه‌های مردم باشد به دنبال مسائل کلان کشور بود. اگر چه در زمینه مسائل کلان کشور نیز اثرگذاری کافی از این مجلس مشاهده نشد. در یک سال اخیر نیز دغدغه نمایندگان مجلس معطوف به برخی وزرا نتخانه‌ها بوده که آخرین آنها استیضاح وزیر صمت بود. به نظر نمی‌رسد استیضاح وزرا گرهی از کار مردم باز کند. در ماجرای استیضاح وزارت صمت نیز اگر عملکرد آقای فاطمی‌امین را کنار بگذاریم مجلس با یک رویکرد احساسی این استیضاح را انجام داد و بیشتر به دنبال دفاع از هویت خود در ماجرای «شاسی بلند گیت» بود. این در حالی است که مجلس همچنان در این ماجرا گرفتار شد و جزئیات آن هنوز روشن نشده است. مسائلی که با واکنش مردم مواجه شده و مردم خواهان پاسخگویی نمایندگان در این زمینه هستند. این در حالی است که کسی تاکنون در مجلس پشت پرده و ابعاد این ماجرا را برای افکار عمومی روشن نکرده است. واقعیت این است که هنگامی که مردم متوجه شدن برخی نمایندگان شاسی بلند دریافت کرده‌اند جایگاه مجلس یازدهم در بین مردم افت کرد به شکلی که در کلیت عملکرد مجلس نیز تأثیرگذار خواهد بود. از سوی دیگر استیضاح وزیر صمت نیز نه برای مجلس سودی به همراه داشت و نه گرهی از کار دولت و مردم باز کرد.

آیا رابطه مجلس یازدهم را با دولت از نظر قانونگذاری و نظارت قابل قبول می‌دانید؟ آیا مجلس در برخی زمینه‌ها بیش از اندازه با دولت مماشات نکرده؟

مجلس یازدهم در بیست ماه گذشته مانند ماه عسل دولت بود و به شکلی رفتار می‌کرد که دولت در ماه عسل قرار دارد. اکثریت نمایندگان مجلس از حامیان انتخاباتی آقای رئیسی بودند و با نوشتن نامه از ایشان خواستند که در انتخابات حضور پیدا کنند. در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری نیز اغلب نمایندگان در مناطق مختلف برای آقای رئیسی تبلیغ می‌کردند و در پیروزی ایشان در انتخابات سهم بسزایی داشتند. با این وجود پس از مدتی هنگامی که مشاهده کردند دولت در تحقق شعارها و وعده‌هایی که به مردم داده موفق عمل نکرده نسبت به دولت مطالبه‌گر شده‌اند. البته این مطالبه‌گری بیش از آنکه در راستای دغدغه‌ها و خواسته‌های مردم باشد سیاسی است و به دلایل سیاسی صورت می‌گیرد. این در حالی است که برای مطالبه‌گری مجلس از دولت دیر شده و مجلس باید زودتر در این زمینه اقدام می‌کرد. در شرایطی که مجلس می‌توانست در بسیاری از زمینه‌ها در رویکرد دولت تغییر ایجاد کند به دلایل سیاسی از این کار خودداری کرد. به همین دلیل در این زمینه من کارنامه مجلس را ضعیف ارزیابی می‌کنم. هنگامی که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ اغلب نمایندگان مجلس در نامه‌ای از آقای رئیسی خواستند که در انتخابات حضور پیدا کنند به معنای این است که فاصله زیادی بین نمایندگان مجلس و

مهم‌ترین مطالبات مردم از مجلس

اقتصادی بوده که

مجلس به دلایل

مختلف نتوانست

در این زمینه

موفق عمل کند.

البته مسائل و

چالش‌هایی که از

نظر اقتصادی در

کشور ایجاد شد در

ابتدا با چراغ سبز

مجلس با حذف

ارز ترجیحی بود.

این اقدام باعث

افزایش سرسام

آور قیمت‌ها و فشار

بیشتر به زندگی

مردم شد

در علم سیاست یک بحث مهم نظری وجود دارد تحت عنوان «ساختار - کارگزار» که با از طریق منازعه و تعارض میان این دو تعریف می‌شود یا در قالب نقش همگرایانه این دو مؤلفه. به نظر می‌رسد در ماجرای پایان زود هنگام برجام هم تعارضات میان این دو سطح دیده می‌شود و هم تعارض و مجادلات در بعد هم‌سطح. محمدجواد ظریف می‌خواست در کسوت وزیر امور خارجه پروژه عادی کردن روابط بین‌المللی را به ایستگاه واشنگتن برساند و دروازه ورود به این مرحله را حل بحران هسته‌ای می‌دانست. همه این امیدها اما با پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۱۶ کمرنگ شد و در نهایت هشتم می (۱۸ اردیبهشت) از برجام خارج شد. ۱۸ اردیبهشت ۹۷ بود و سرانجام اتفاقی که یک سال پیش از آن پیش‌بینی می‌شد، محقق شد. دونالد ترامپ - رئیس‌جمهور وقت آمریکا - به یکی از شعارهای انتخاباتی خود جامعه عمل پوشاند و از برجام خارج شد. بی‌گمان در آن روز مغموم‌ترین چهره، محمدجواد ظریف بود. او در سال ۱۳۹۲ از سوی روحانی به عنوان وزیر خارجه برگزیده شد تا پروژه ترمیم روابط ایران با جهان را طراحی و عملیاتی کند. او را باید یکی از معماران مهم عادی شدن روابط ایران با غرب بویژه اروپا در سال‌های ریاست جمهوری هاشمی و خامنه‌ای دانست، اما این بار می‌خواست در کسوت وزیر خارجه پروژه عادی کردن روابط را به ایستگاه واشنگتن برساند. ظریف دروازه ورود به این مرحله را حل بحران هسته‌ای می‌دانست؛ به همین دلیل هم بلافاصله پس از آغاز رسمی دولت اعتدال رایزنی‌ها و مذاکرات برای حل بن‌بست هسته‌ای آغاز شد و سرانجام این تلاش‌ها در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ به ثمر نشست؛ اما همانقدر که محافظه‌کاران از انعقاد این توافق ناخشنود بودند، ظریف و یارانش در پوست خود نمی‌گنجیدند؛ چون گام اول با موفقیت برداشته شده بود و همین، دلیلی بود که روزنه‌ای امید نسبت به تداوم این پروژه وجود آید. یکی از این نشانه‌های امید، در سخنرانی نوروزی روحانی در بهار ۱۳۹۵ نمایان شده؛ آنجا که رئیس‌جمهور وقت ایران از ضرورت برجام ۲ و ۳ یاد کرد. دیگر در آن زمان کاملاً عیان شد که هدف غایی مغز متفکر دیپلماتی دولت چیست: نزدیک شدن بیش از پیش به واشنگتن.

شوک انتخاباتی

همه این امیدها اما با پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۱۶ کمرنگ شد. احتمالاً ظریف پس از این شوک انتخاباتی که نه تنها ایران را متاثر کرد بلکه جهان را نیز به لرزه انداخت، در پشت پرده تلاش‌هایی را انجام داد تا از همان زمان آغاز دوران انتقالی وارد چانه‌زنی با تیم ترامپ شود و رئیس‌جمهور جدید ساکن کاخ سفید قانع شود که تداوم برجام منافع مشترک و دو جانبه‌ای خواهد داشت؛ اما به نظر می‌رسد همه این راه‌ها نه از زمان اعلام پیروزی مردم مارتنجی بلکه در ماه‌های پایانی دولت اوباما مسدود شده بود و ظریف تنها باید در انتظار می‌نشست که آنچه‌نیاید اتفاق بیفتد، سرانجام رخ دهد و آن، چیزی نبود جز پایان زود هنگام برجام.

عمر کوتاه برجام

حیات برجام آنچنان کوتاه بود که دوره اجرایی آن تقریباً برابر است با زمان پروسه مذاکرات احیای برجام در دوره یابین؛ اما پرسش این است که چرا پروژه ظریف و همراهانش ناکام ماند؟ رجوع به علم سیاست و برخی تئوری‌های آن شاید گره‌گشای این معما باشد. در علم سیاست یک بحث مهم نظری وجود دارد تحت عنوان «ساختار - کارگزار» که یا از طریق منازعه و تعارض میان این دو تعریف می‌شود یا در قالب نقش همگرایانه این دو مؤلفه. به نظر می‌رسد در ماجرای پایان زود هنگام برجام هم تعارضات میان این دو سطح دیده می‌شود و هم تعارض و مجادلات در بعد هم‌سطح. اگر بخواهیم مساله را کمی روشن‌تر و مصداقی‌تر توضیح دهیم، توجه به این منازعات بسیار حائز اهمیت است. اولین سطح منازعه میان ساختار - کارگزار در سیاست داخلی ایران مرتبط می‌شود. در این بعد، میان آنچه ظریف می‌اندیشید و آنچه سیاست در سطوح تصمیم‌سازی بود، ناسازگاری وجود داشت. ساختار به برجام به مثابه یک توافق تاکتیکی می‌نگریست و نه تکی‌ای از بازول عادی کردن روابط ایران و غرب. سطح دوم منازعه در آمریکا وجود داشت و به نوعی منازعه در سطح کارگزار را به نمایش می‌گذاشت و از همین رو عدم اجماع میان نتخنگان را در قدرت را در مورد برنامه جامع اقدام مشترک به نمایش می‌گذاشت.

برجام در دام منازعات جناحی در آمریکا

سرانجام این منازعه باعث شد که برجام در دام منازعات جناحی در آمریکا بیفتد و از ارزش و اعتبار این توافق کاسته شود؛ اما منازعه در سطح سوم میان ساختار سیاسی در آمریکا و ساختار تصمیم‌گیری در ایران بود. نگاه ساختاری در واشنگتن بر این پایه قرار داشت که برجام می‌تواند به دو مبنی همکاری میان تهران و واشنگتن منجر شود و معماری چهارده‌ای ایران در سیاست خارجی آمریکا را حل کند. بر اساس همین دیدگاه بود که بندهای غروب در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳... تعریف شدند. این مقاطع تاریخی از دلالت‌های معنایی برخوردارند. به عبارت روشن‌تر، تصور ساختار این بود که حداقل پنج سال پس از اجرای توافق هسته‌ای روابط میان تهران و واشنگتن آرام و قرار خواهد گرفت؛ اما این تفکر ساختاری در برابر سد ساختاری در درون ایران قرار گرفت.